



## A Critical Review of the Theory of “Self-Reference of the Quran” in the Encyclopedia of Oliver Leaman, Emphasizing the Thoughts of His Eminence Ayatollah Khamenei \*

Hossein Alavi Mehr <sup>1</sup> and Akram Sarovand <sup>2</sup>

### Abstract



Self-referentiality or self-documentation in the Quran implies that the Quran itself refers to questions and provides answers and clarifications. In other words, certain ambiguous concepts or points in the Quran are clarified by reference to other verses or the context of the verses. Olivier Leaman, citing Stephen Wild, raises points in self-referentiality in the Quran, attributing ambiguous and uncertain elements to this sacred book. Therefore, it is necessary to examine and critique his opinions on this matter. In this paper, the researcher has attempted an analytical, descriptive, and critical approach to validate the theory of self-referentiality and evaluate some points raised by Stephen Wild. It became evident from his claims that the Quran presents a clear meaning of the term “Quran” and the term “Furqan” being in Hebrew doesn’t pose any damage to its usage in the Quran. This is because the Quran itself is an instance of Furqan and a clear differentiator between truth and falsehood. Furthermore, various interpretative methods such as Quran-to-Quran approach, thematic and semantic approach by Izutsu, all signify self-referentiality, attracting the attention of Islamic scholars and Western intellectuals towards Quranic interpretation. Hence, all these aspects strengthen the theory of self-referentiality in a positive light. Referencing and affirming oneself in one’s discourse is a validation of its authenticity, which does not nullify the Quranic verses and its rulings; rather, it aligns with and validates the Quranic verses and its propositions. This basis and interpretative method are also found in the manner of interpretation by His Eminence Ayatollah Khamenei, wherein he repeatedly refers to Quranic verses in the interpretation and explanation of the teachings of the Quran.

**Keywords:** Self-documentation, Self-referentiality, Self-referentiality in the Quran, Olivier Leaman, Stephen Wild, Thoughts of Ayatollah Khamenei.

---

\*. **Date of receiving:** 03/03/2023 ; **Date of correction:** 02/07/2023; **Date of approval:** 10/09/2023.

1. Full Professor and Faculty Member of the Tafsir Department, Quran and Hadith Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: (halavimehr5@gmail.com).

2. Fourth-level (PhD) Candidate, Specializing in Comparative Interpretation, Masoumieh Institute for Higher Education, Qom, Iran (Corresponding Author): sarvvand12@gmail.com.



## بررسی و نقد نظریه «خودارجاعی قرآن» در دانشنامه الیور لیمن با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری \*

حسین علوی مهر<sup>۱</sup> و اکرم سرووند<sup>۲</sup>



### چکیده

خودارجاعی یا خوداستنادی قرآن، یعنی قرآن کریم در پاسخ سؤالات به خودش ارجاع می‌دهد و پاسخ سؤالات و ابهامات را می‌دهد. به عبارتی برخی مفاهیم یا نکات مبهم در قرآن با ارجاع به آیات دیگر یا سیاق آیات روشن می‌شود. الیور لیمن به نقل از مقاله استفان ویلد، نکاتی را در خودارجاعی قرآن مطرح می‌کند که در ضمن امتیاز شمردن برای قرآن، نکات مبهم و غیرقطعی را به این کتاب مقدس نسبت می‌دهد. بنابراین ضرورت دارد نظرات وی در این باره بررسی و نقد شود. در این نوشته، پژوهشگر به روش توصیف و تحلیل و ضمن صحنه‌گذشتن بر نظریه خودارجاعی، برخی نکات مطرح شده توسط استفان ویلد را ارزیابی کرد. با توجه به ادعاهای قرآن کریم معنای روشنی را از لفظ قرآن ارائه می‌دهد و عبری بودن واژه فرقان، آسیبی به استعمال این لفظ در قرآن کریم نمی‌زند، زیرا قرآن نیز از مصادیق فرقان و روشن‌کننده حق از باطل است. همچنین روش‌های مختلف تفسیری از جمله روش قرآن به قرآن، روش موضوعی و معناسناختی ایزوتسو، همگی دلیلی بر خودارجاعی است که توجه مفسران و دانشمندان اسلام و غرب در تفسیر قرآن را به خود جلب کرده است. بنابراین همه این امور نظریه خودارجاعی قرآن را از جنبه مثبت تقویت می‌کند، زیرا استناد و گواهی گرفتن قرآن از آیاتش، دلیل بر حجیت آن چیز است و این استناد موجب نفی آیات و احکام آن نمی‌شود؛ بلکه آیات قرآن و گزاره‌های آن در راستای تأیید و اثبات هم قرار گرفته‌اند. این مبنا و روش تفسیری در شیوه تفسیری مقام معظم رهبری نیز وجود دارد. ایشان در تفسیر سوره حمد به کرات با استناد به آیات قرآن، به تفسیر و تبیین معارف قرآن کریم پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: خوداستنادی، خودارجاعی، خودارجاعی قرآن، الیور لیمن، استفان ویلد، اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵.

۱. استاد تمام و عضو هیئت علمی گروه تفسیر، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران: halavimehr5@gmail.com

۲. طلبه سطح چهار، گرایش تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی معصومیه، قم، ایران (نویسنده مسئول): sarvand12@gmail.com



## مقدمه

قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان، همواره توجه دانشمندان غربی را به خود جلب کرده است، به گونه‌ای که مفردات و عبارات شریف الهی را از جوانب گوناگون بررسی کرده‌اند. از جمله کسانی که به طور تفصیل درباره این کتاب مقدس دایرةالمعارف نوشته است، پرفسور البیور لیمن است. او دومین دایرةالمعارف قرآنی را در میان دانشمندان غربی به نگارش درآورده است و در آن درباره اصطلاحات قرآنی و علوم قرآنی مقالاتی را گردآوری کرده، در برخی موارد نیز نظرات خود را جهت تأیید یا رد آن موضوع بیان می‌کند. از جمله این مقالات، مقاله «چرا خودارجاعی؟» (Why referentiality) نوشته استفان ویلد (Stefan Wild) است. با توجه به چنین اقداماتی توسط مستشرقان یا دانشمندان غربی، لازم است نظراتشان ارزیابی شود. در مقاله پیش‌رو عنوان «خودارجاعی قرآن»، جهت تحقیق و بررسی انتخاب شده است که ذیل این مدخل، عناوین مختلف «اسناد به خود و طبقه‌بندی»، «اظهارات منفی قرآن درباره خود»، «اولین نشانه‌های تأویل»، «تأکید بر وثاقت قرآن در مقایسه با کتب یهودیت و مسیحیت»، «شاخص‌های زبان شناختی خاص مُشعر بر حقانیت و اصالت»، به صورت مختصر و کوتاه بحث شده است. به دنبال مطالب بیان‌شده، به نظر می‌رسد لازم است به روش توصیف و تحلیل و جمع‌آوری کتابخانه‌ای، مطالب خودارجاعی به طور دقیق تحلیل و بررسی شود تا نظر قرآن کریم درباره معنای مستعمل الفاظ قرآن و فرقان در این کتاب و حیانی، انواع خودارجاعی در شیوه تفسیر، از جمله معناشناختی واژگان قرآن و روش تفسیر قرآن به قرآن روشن شود.

لازم به ذکر است، با توجه به جستجوهای انجام‌شده در سایت‌ها و منابع علمی معتبر، مقالاتی در این زمینه یافت شد. از جمله مقاله «بررسی و مقایسه خودارجاعی و گسترش‌پذیری نامتعیّن در نسبت با پارادوکس‌ها» نوشته سعیده معصومی و حسین بیات در سال ۱۳۹۶ و شماره ۳۱ مجله فلسفه تحلیلی منتشر شده است. در این مقاله دور بودن و پارادوکسیکال بودن خودارجاعی پرداخت شده و در نهایت این نتیجه به دست آمده است که منشأ پارادوکس در هر موضوع، به ویژگی خاص آن موضوع برمی‌گردد و همین مسئله یافتن راه حل جامع برای همه پارادوکس‌ها را منتفی می‌کند و این باور را تقویت می‌کند که باید با هر پارادوکس به طور خاص و در بستر موضوعی خودش روبه‌رو شد.

مقاله «گفتمان خوداستنادی قرآن کریم در اندیشه آن سیلوی بوالیو» نوشته محمد باعزم که در شماره دوم مجله آینه پژوهش در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله، موضوع خوداستنادی را از دیدگاه شخص دیگری بررسی کرده است.

مقاله «خودارجاعی در قرآن کریم زوج واژگان تقابلی به مثابه ابزار بلاغی» نوشته سلمان نژاد و حسین زاده، انتشار سال ۱۴۰۱ به این نتیجه دست یافته است که قرآن با آوردن واژگان متقابل در خود و به کارگیری فن بلاغت، فهم و درک بهتری از معنای واژگان را به مخاطب القا کرده است. در این مقاله نویسنده، دیدگاه خودارجاعی استفان وایلد را با محوریت اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای نقد و بررسی می‌کند:

## ۱. معرفی دایرةالمعارف قرآن

کتاب «قرآن؛ یک دایرةالمعارف» (The Quran: an Encyclopedia) با سرویراستاری پرفسور الیور لیمن (Oliver Leaman) دومین دایرةالمعارف قرآنی نگاشته شده توسط غربی‌ها پس از دایرةالمعارف قرآن لایدن است (قاسمپور و بیرامی، بررسی دیدگاه الیور لیمن درباره سنت و نقش آن در تفسیر، ۱۳۹۴: ۱۰۴). چهل و سه تن از محققان غربی و مسلمان در تألیف مقالات این دایرةالمعارف مشارکت داشته‌اند. کتاب در قالب دایرةالمعارفی کاملاً دقیق و فنی طراحی شده است. هر مدخل یا اصطلاح تخصصی در جای خود به طور کامل تعریف شده و مستقل از سایر بخش‌ها است. در انتهای کتاب نیز کتابشناسی گزیده‌ای از مهم‌ترین کتاب‌ها و مقالات در حوزه مطالعات قرآنی، همراه با نمایه‌ای تفصیلی از اعلام، اماکن و موضوعات کتاب افزوده شده است (رضایی اصفهانی و اعتصامی، معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن، الیور لیمن، ۱۳۸۸: ۳۵). نویسنده حدود ۲۸ درصد از مقالات این دایرةالمعارف را با گرایش فلسفه و یهودیت به نگارش درآورده است که بسیاری از مهم‌ترین و بلندترین مقالات نیز جزو همین مدخل‌ها هستند؛ مانند استدلال و قرآن، هنر و قرآن، نبوت، سرنوشت، خارق‌العاده بودن قرآن و .. (قاسمپور و بیرامی، بررسی دیدگاه الیور لیمن درباره سنت و نقش آن در تفسیر، ۱۳۹۴: ۱۰۴) از جمله مقالات، مقاله خودارجاعی قرآن استفان وایلد است. سرانجام این کتاب در ماه‌های پایانی سال ۲۰۰۵ میلادی در ۷۷۱ صفحه به بازار آمد (رضایی اصفهانی و اعتصامی، معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن، الیور لیمن، ۱۳۸۸: ۳۵).

## ۲. معرفی مؤلف

### الف. الیور لیمن

الیور لیمن، متولد ۱۹۵۰ میلادی، استاد مطالعات فلسفی در دانشگاه کنتاکی (آمریکا) و متخصص در فلسفه اسلامی و فلسفه یهودی قرون میانه است (رضایی اصفهانی و اعتصامی، معرفی و بررسی



دایرةالمعارف قرآن، الیور لیمن، ۱۳۸۸ش: ۳۵). تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه آکسفورد و کمبریج گذراند و دکترای خود را در سال ۱۹۷۹ م. دریافت کرد. از سال ۲۰۰۰ م. در دانشگاه کنتاکی مشغول کار شد (قاسم‌پور و بیرامی، بررسی دیدگاه الیور لیمن درباره سنت و نقش آن در تفسیر، ۱۳۹۴: ۱۰۴) آثار وی در زمینه فلسفه اسلامی و فلسفه یهودی به بسیاری از زبان‌های جهان از جمله فارسی ترجمه شده است. شناخته‌شده‌ترین اثر او در ایران، «تاریخ فلسفه اسلامی» است که آن را همراه با سید حسین نصر سرویراستاری کرده است (همان).

### ب. استفان وایلد

نویسنده مقاله خودارجاعی قرآن استفان وایلد (۱۹۳۷) است. وی از جمله نویسندگانی است که لیمن مقاله‌ای از او در دانشنامه‌اش آورده است. وی از اساتید دانشگاه بُن (of Bonn University) کشور آلمان است. او یکی از برجسته‌ترین چهره‌های شرق‌گرایی معاصر آلمان است. وی استاد زبان‌های سامی و مطالعات اسلامی در دانشگاه بن آلمان است و دارای تعدادی کتاب مهم در مطالعات قرآنی و ادبیات عربی و کلاسیک است. عنوان مقاله وی «چرا خودارجاعی؟» است که در مجموعه مقالاتی در کتاب «خودارجاعی در قرآن» (ān'Self-referentiality in the Qur) چاپ شده است که این کتاب در مجموع ۸ مقاله دارد که دو مورد آن نوشته استفان وایلد است.

استفن فیلد (یا وایلد) پیش از دریافت دکترای خود در رشته فلسفه در سال ۱۹۶۱ از دانشگاه مونیخ که در سال ۱۹۶۸ منتشر شد، در تعدادی از دانشگاه‌های آلمان، مونیخ، بیل، ارلانگن و توینگن تحصیل کرد. بلافاصله پس از آن، در همان سال، تا سال ۱۹۷۴ به‌عنوان مدیر مؤسسه تحقیقات شرقی آلمان در بیروت منصوب شد. در سال ۱۹۷۴ دانشگاه آمستردام از او دعوت کرد تا مقام رئیس گروه زبان‌های سامی و مطالعات اسلامی را به او پیشنهاد دهد که به مدت سه سال آن را برعهده داشت. سپس دانشگاه بن از او دعوت کرد تا استاد زبان‌های سامی و مطالعات اسلامی آن شود. او نزدیک به ۲۵ سال کار خود را در دانشگاه بن ادامه داد تا اینکه در سال ۲۰۰۲ بازنشسته شد.

اهمیت فیلد در زمینه خاورشناسی معاصر، چه در آلمان و چه در خارج از کشور، از این واقعیت ناشی می‌شود که حضور او محدود به حوزه مطالعات شرقی نبود، که او مطالعات خود را در مورد قرآن، واژگان عربی و ادبیات عربی کلاسیک و مدرن به آن سهیم کرد؛ بلکه فراتر از این رفت تا فعالانه در بحث‌های گسترده‌تری که درباره سیاست‌ها و فرهنگ خاورمیانه و همچنین ارتباط با اروپا و ایالات متحده صورت گرفت، شرکت کند.

از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۹، فیلد سردبیر و سردبیر مشترک Die Welt des Islam بود، یک مجله بین‌المللی که به مطالعه اسلام مدرن مربوط می‌شد. او به‌عنوان مدیر این مجله، برگزاری چندین مناظره مهم دربارهٔ توسعه فرهنگ و دین مدرن اسلامی و همچنین رابطه خاورمیانه و اروپا را تشویق کرده‌است (<https://tafsir.net/author/3361-shtyfan-fyld-stefan-wild/>).

### ۳. معنای خودارجاعی

مراد از ارجاع، دستیابی به شئی خاص است. ارجاع گاهی با لفظ صورت می‌گیرد؛ مانند اینکه با شنیدن اسم خاص یا اسم اشاره به شئی خاص می‌رسیم؛ مثل «حافظ» و یا «آن سردار بزرگ» که به قرینه‌های مختلف شنونده بالا‌مکان به دو مصداق خاص می‌رسد (عالمی، رابطه مفاهیم جزئی با معنا، دلالت و ارجاع، ۱۳۸۸ش: ۱۵-۱۰). خودارجاعی اصطلاحی است که دربارهٔ قرآن کریم به کار می‌رود «خوداستنادی» و «دلالت به خود» نیز به‌عنوان تعابیر دیگری از خودارجاعی به کار رفته‌اند. در تعریف دیگری آمده است؛ از منظر زبانی خودارجاعی برای دلالت بر جمله‌ای استفاده می‌شود که به خودش یا مرجع خودش ارجاع دهد؛ جمله‌ای که یکی از عناصر سازنده خودش است یک جمله خود ارجاع‌گر است. البته در این جملات ارجاع نه به خود جمله، بلکه به نام یا مرجعی از جمله روی می‌دهد (معصومی و بیات، بررسی و مقایسه خودارجاعی و گسترش پذیری نامتعیین در نسبت با پارادوکس‌ها، ۱۳۹۶ش: ۱۴۶).

### نظریه خودارجاعی قرآن کریم

خودارجاعی قرآن کریم در پنج گفتار آمده است که در این نوشته تنها دو مورد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

#### ۱. اسناد به خود و طبقه‌بندی

«وقتی یک متن را خودارجاع می‌نامیم که از خود سخن گوید و بر نص خود منعکس باشد. قرآن از این ویژگی که می‌توان آن را خودانعکاسی و فرانصی خواند، برخوردار است که نسبت به سایر کتب مقدس مسیح و یهود بالاتر است. برخی از بدیهی‌ترین موارد خودارجاعی عبارتند از: اسناد به خود و طبقه‌بندی، اظهارات منفی قرآن دربارهٔ خود، اولین نشانه‌های تأویل، تأکید بر وثاقت آن در مقایسه با کتب یهودیت و مسیحیت، شاخص‌های زبان‌شناختی خاص مشعر بر حقایق و اصالت» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۰: ۲۲۸-۲۲۷).



موارد بسیاری از طبقه‌بندی اسناد به خود در قرآن وجود دارد. متن قرآن، با تلفیق انواع ژانرهای مختلف فحوائی، بر خواننده یا شنونده خود تأثیر می‌گذارد. قرآن خود را به نام‌های متعددی می‌خواند که اغلب یک کارکرد خاص متن را به آن نام نسبت می‌دهد؛ مانند تنزیل، کتاب، ذکر، قصص، مثل، نبأ و مانند آن. در میان این خودطبقه‌بندی‌ها، کلمه قرآن می‌تواند از همه مهم‌تر باشد. کلمه قرآن در لغت به معنای خواندن است، که به شکل‌های متعدد و اغلب متضادی به کار رفته، که منجر به این برداشت می‌شود که قرآن خود را نه چندان یک کتاب کامل، که بیشتر یک فرآیند مداوم «کتابت» و «باز کتابت» الهی تلقی می‌کند؛ اما کلمه قرآن هرگز به یک پیکره بسته شرعی که مسلمانان و غیرمسلمانان امروزه آن را قرآن می‌نامند، دلالت نمی‌کند. اغلب معنای دقیق این کلمات مبهم است، البته مفسران عرب کوشیده‌اند، خصائص آنها را تصریح کنند و همچنان به کوشش در این راه ادامه می‌دهند.» (همان).

«نامی مکرر و پررمز که قرآن خود را به آن می‌خواند، «فرقان» است که در دو مورد از بهترین ترجمه‌های انگلیسی به «معیار و رستگاری» معنا شده است. این اختلاف، پیچیدگی مشهود در تفسیرهای اسلامی را منعکس می‌سازد. از آنجاکه ممکن است، فرقان ترجمه عربی نام شکل یا نقش ماقبل اسلامی کتاب مقدس (یهودی یا مسیحی) باشد، استفاده از این کلمه را می‌توان تلاشی برای تلقی کلمات شرعیات ماقبل اسلام به‌عنوان بخشی از کتاب خدا دانست.» (همان).

## ۲. اظهارات منفی قرآن درباره خود

«خوداسنادهای منفی متن قرآن را می‌توان حداقل تا حدودی بخشی از ویژگی‌های ناشی از اختلاف نظر کلامی در درون جامعه مسلمانان قبل از تشریح متن یا از ویژگی‌های اختلافات فرادینی در میان جامعه در حال تکوین اسلامی و همعصران غیرمسلمانان دانست. وقتی قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ \* وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ﴾ (حاقه/آیات ۴۱-۴۰)؛ «آن (بخشی از وحی قرآنی) قطعاً گفتار فرستاده‌ای بزرگوار است و آن گفتار شاعری نیست.» کارکرد این آیه آشکارا تصحیح یا رد نظر هم‌عصران پیامبر است که دقیقاً همین مطلب را ادعا کرده بودند. قرآن بارها تأکید می‌نماید که ﴿بَاطِلٌ﴾ (شوری/۲۴)، «ریب» (بقره/۲)، یا ﴿اساطیر الأولین﴾ (فرقان/۵) در آن جایی ندارد. مهمترین اظهار منفی قرآن را می‌توان در این آیه مشاهده کرد: ﴿وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾ (تکویر/۲۵)؛

«شیطان‌ها آن (قرآن) را فرود نیاورده‌اند.» که در عین حال انعکاس نکوهشی معاصر است که متن باید رد می‌کرد. برخی از ویژگی‌هایی که متن قرآن به‌طور صریح و مکرر از آن‌ها تبری می‌جوید، همان‌هایی هستند که به فرموده قرآن، پیامبران پیشین مانند نوح یا موسی نیز باید بر مبنای اقتدار الهی و با توجه به وحی نازل شده بر آنان، به‌ناچار مردود می‌شمردند (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۰: ۲۲۸).

نظرات و نکات درباره خودارجاعی، در دو بخش امتیازات و نقد و ارزیابی طرح می‌شود:

## الف. امتیازات

در مسئله خودارجاعی با نکات درخور توجه و مقبول مواجه هستیم:

یک. استناد قرآن به خود یا خودارجاعی نکته صحیحی است که مؤلف به آن توجه کرده است و امروزه با عنوان «تفسیر قرآن به قرآن» رواج داشته و از روش‌های برخی از مفسران معاصر است. دو. مؤلف این مسئله را موجب وثاقت و استحکام متن قرآن در مقایسه با کتب یهود و مسیح بیان کرده است.

سه. نکته درخور توجه دیگر اینکه نام‌های متعدد قرآن مانند؛ ذکر، کتاب، فرقان و... بر کارکردهای خاص این کتاب آسمانی و باتوجه به انواع و اصناف مخاطبان خود است.

قبل از بررسی و نقد این نظریه، لازم است توضیحات مختصری در تاریخچه این دیدگاه بیان شود: موضوع ارجاع به خود قرآن به صورت جزئی قبل از خانم آن - سیلوی بوالیوبه، مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مقاله آنتونی جونز (Antony Jones) با عنوان «قرآن بر اساس قرآن»، درباره قرآن در مورد نقل‌های قرآنی خودارجاعی، معرفی قرآن به وسیله محمد عبدالحلیم با عنوان قرآن خودش را شرح می‌دهد، یا در فصلی به موضوع مجادله یا مناظره درباره قرآن در قرآن، با عنوان ریشه‌های قرآن اختصاص داده، اما هیچ‌یک از این مقالات به مسئله ارجاع به خود نپرداخته‌اند. اولین کتاب در این حوزه، کتاب دانیل مادیگان (Daniel madigan) است که درباره اصطلاح کتاب بحث می‌کند. او کتاب خویش را با تحلیل روابط بینی معناشناختی درباره این اصطلاح مرکزی ارجاع به خود با روشی که ایزوتسو (Tushihiko Izutso) پیشنهاد داده، تألیف کرده است (باعزم، گفتمان خوداستنادی قرآن کریم در اندیشه آن - سیلوی بوالو، ۱۳۹۷: ۱۲۸).

قرآن گفتار خداوند است که بر پیامبر نازل شده و در مصاحف نوشته شده است؛ یعنی قرآن به‌عنوان یک مادّ شینی (مابین الدفتین) منتقل شده است و به‌وسیله نسلی به نسل دیگر منتقل شده است و همیشه با احترام و تقدیس قرائت شده است (همان). تغییرناپذیر بودن قرآن کریم صرفاً به علت الفاظ و عبارات و محتوای متافیزیکی آن نیست؛ بلکه به علت جهان‌شمولی آن است که زیبایی قرآن را در تمامیت آن نمایان می‌کند. در واقع خود قرآن، خودش را این‌چنین معرفی می‌کند (همان: ۱۲۹).

رویکرد خوداستنادی درصدد کشف معنای واژگان قرآن از طریق معرفی خود قرآن است و می‌توان گفت این نوع مطالعه یک قدم عقب‌تر از تفسیر قرآن به قرآن است. با این تفاوت که در تفسیر قرآن به قرآن به روایات تفسیری نیز توجه می‌شود و نقش کمکی در تحلیل و بررسی معنای آیات دارند و





معارف قرآنی در پرتو آموزه‌های روایی به دست می‌آید؛ اما در روش خوداستنادی ادعا این است که تنها ابزار کشف معانی خود قرآن است و از هیچ ابزار خارجی کمک گرفته نمی‌شود (همان: ۱۳۱).  
باتوجه به محوریت مقاله پیرامون اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای روش ایشان در تفسیر قرآن روش اجتهادی است که در کنار آن به‌طور چشمگیری از روش تفسیر قرآن به قرآن نیز بهره برده است. ایشان در تفسیر آیه‌ای از آیات دیگر بهره برده و مقصود آیه را به روشنی تبیین می‌کند (خامنه‌ای، مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در تفسیر سوره توبه، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۳) که در طول مقاله مبانی تفسیری ایشان مورد توجه قرار گرفته است.

### ب. نقد و ارزیابی

نظریه خودارجاعی قرآن از دیدگان استیفان وایلد، با وجود نکات مثبت، آمیخته به اشکالاتی است که لازم است از جوانب مختلف نقد و ارزیابی شود:

#### معرفی همه‌جانبه هویت قرآن با قرآن

از جمله نکات در بحث خودارجاعی این است که «متن قرآن، با تلفیق انواع ژانرهای مختلف فحوایی، بر خواننده یا شنونده خود تأثیر می‌گذارد. قرآن خود را به نام‌های متعددی می‌خواند که اغلب یک کارکرد خاص متن را به آن نام نسبت می‌دهد؛ مانند تنزیل، کتاب، ذکر، قصص، مثل، نباء و مانند آن. و بین این‌ها کلمه قرآن به معنای خواندن، می‌تواند از همه مهم‌تر باشد که اغلب به معنای متضاد کتابت، بازکتابت به کار رفته است.» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۰: ش: ۲۲۷) که لازم است مروری بر معنا و ریشه لفظ قرآن و فرقان داشته باشیم:

#### معنای واژه قرآن

میان همه نام‌های کتاب آسمانی، قرآن بیش از سایر نام‌ها رواج یافته است. این نامی است که پیامبر و صحابه آن را بدان نداده‌اند (رامیار، تاریخ قرآن، ۱۳۹۰: ۱۲). از نظر خاورشناسان معنای اولیه قرآن، وعظ‌کردن و تبلیغ بود و اندک‌اندک مردم این کلمه را به معنای کتاب محتوای تبلیغ به کار برده‌اند (همان: ۱۸). لغت‌های آرامی، حبشی و فارسی در زبان عربی آثار انکارناپذیری به جای گذاشته‌اند؛ زیرا پیش از اسلام و در طول قرون متمادی این‌ها همسایگان عرب بوده و به علت وجود روابط این گونه تأثیر و تأثرها حاصل شده است (همان).

واژه قرآن از نظر ریشه و معنای لغوی مورد توجه و تحلیل قرار گرفته است؛ اما در واقع معنای دقیق کلمه را باید در استعمالات خود قرآن یافت که در موارد بسیاری نام قرآن در معانی مختلف، از جمله

نماز بامداد ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ السَّمْسِ إِلَى عَسْقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ (اسراء/۷۸)، یک آیه «فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمّل/۲۰) و گاهی همه وحی ابلاغ شده ﴿أَوْحَى إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأَتذَكَّرُكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ﴾ (انعام/۱۹) به کار رفته است.

همچنین «قرء» به عنوان ریشه واژه قرآن، در معانی «از بر خواندن»، «تدریس»، «تفهیم» و «خواندن از حفظ» به کار رفته است (راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ القرآن، ۱: ۱۴۰۴: ۶۶۹).

باید توجه کرد که معنای قرائت در لغت نامه‌ها دقیقاً با شرایط جاری در زمان رسول خدا ﷺ در مکه تطبیق نمی‌کند. نوشتن آیات احتمالاً در آغاز وحی مرسوم نبود؛ اما شروع وحی با امری از ریشه همین کلمه یعنی با قرء بود، سپس نوشتن مرسوم شد (رامیار، تاریخ قرآن، ۲۰: ۱۳۹۰). باتوجه به آیه ﴿سَتَقْرَأُكَ فَلَاتَنْسَى﴾ (اعلیٰ/۶)؛ قرء به معنای تعلیم لفظ و معنایی است که همراه با حفظ باشد و فراموش نشود (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۱/۱۳۱) و عمل حفظ قرآن بیشتر به معنای یار و یاور حافظه مرسوم بود؛ یعنی بدون حفظ و پیش زمینه ذهنی نسبت به یک مطلب، خواندن یک آیه بسیار مشکل بود. به همین علت در قرآن، قرائت به صدای بلند خواندن و از حفظ خواندن آمده است (رامیار، تاریخ قرآن، ۲۰: ۱۳۹۰) لذا به نظر می‌رسد قرآن اسم فعل یا مصدری است به معنای اسم مفعول و از ریشه «قرء»؛ به معنای خواننده یا خواندنی است (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۵/۲۰۵)؛ و این معنا از همان آغاز نزول وحی در این کلمه دیده می‌شود و نخستین وحی بنا بر نظر مشهور «إقراء» است (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۱/۱۴۰).

رسول خدا ﷺ نظم و ترتیب آیات را در بین سوره‌ها تعیین می‌کرد و دستور می‌داد که فلان آیات را در کدام سوره و کدام قسمت قرار دهد یا در تألیف سوره‌ها برخی را مقدم و برخی از سوره‌ها را مؤخر می‌کرد و این چنین ترتیب آیات و سوره‌ها را در تدوین و گردآوری قرآن تعیین می‌کرد که روایات متعددی در این باره نقل شده است (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۱/۲۱۱). این امر شاهد مابین الدفتین بودن قرآن در زمان خود پیامبر است.

مُصحف (و به فتح و کسر میم) مجموعه صحیفه‌های نوشته شده است که بین دو جلد قرار گرفته باشد؛ گرچه گاهی مصحف همین معنا را هم می‌دهد؛ اما بعدها کلمه مصحف اسم قرآن قرار گرفته است. این کلمه برای غرب پیش از اسلام ناشناخته نبود و در اشعار زمان جاهلیت، اسفار نصارا مصاحف نامیده می‌شود (رامیار، تاریخ قرآن، ۱۳۹۰: ۱۰). همان طور که امرء القیس در سروده خود چنین آورده است: «أنت حجج بعدی علیه فأصبحت \* كخط زبور فی مصاحف رهبان» (لویس



شیخو، شعراء النصرانیه: ۶۶/۱). بنابراین این واژه مصحف است که پس از جریان وحدت مصاحف و با مشورت بزرگان، بر روی قرآن گذاشته شده است (معرفت، تلخیص التمهید، ۱۳۹۱ش: ۱/۱۷۷).

این کتاب مقدس نیز خود را با نام قرآن معرفی می‌کند: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ \* لَا یَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعه/۷۹-۷۷) در ادامه خدا می‌فرماید: ﴿تَنْزِیلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِینَ﴾ قرآن همان نازل شده از کتاب مکنون است و در روایت آمده است: «تَنْزِیلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِینَ؛ قَالَ: الْقُرْآنُ مِنْ ذَلِكَ الْكِتَابِ» (طبری، جامع القرآن فی تفسیر آی القرآن، ۱۴۱۲ق: ۲۷؛ ص ۱۱۹) همچنین در تفسیر این دسته از آیات آمده است: اگر جمله «لَا یَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» صفت برای قرآن باشد، به این معناست که مس قرآن فقط با طهارت جایز است و مراد مس و دست‌زدن به همان چیز نوشته است. هرچند که در کنار این تفسیر مراد از مس را همان معنای درک و فهم و پی‌بردن به عمق معانی آن نیز تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۱ش: ۱۹/۱۳۸). در معنای لغوی مس آمده است: مس کردن و لمس چیزی با دست «وَالْمَسُوسُ مِنَ الْمِیَاهِ»؛ یعنی آنچه که دست‌ها به آن می‌رسد (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹ق: ۷/۲۰۸ و ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۳۹۹ق: ۵/۲۷۱).

راغب می‌گوید: مس همانند لمس است؛ اما لمس در مورد طلب چیزی دست‌نیافتنی نیز به کار می‌رود؛ اما مس به معنای ادراک با حس است (راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ القرآن، ۱۴۰۴ق: ۱/۷۶۷). با توجه به معنای واژه «مس» و اصل لغوی تقدم معنای حسی بر معنای غیرحسی می‌توان گفت معنای ظاهری مس نیز در این آیات همان دست‌زدن و لمس ظاهر مصحف شریف قرآن است و دلیلی که این معنا را تقویت می‌کند، سیاق آیات چهارگانه است که تنزیل را همان قرآن دانسته و می‌فرماید، این قرآن موجود نازل شده از کتاب مکنون است؛ پس نشان می‌دهد که قرآن موجود تنزیل‌یافته از کتاب مکنون است و تفصیل معنای قرآن کریم و کتاب مکنون روشن است. در واقع ظاهر آیه و سیاق بیشتر به معنای حسی قرآن منعطف است، تا اینکه معنای مس را درک و فهم معانی عمیق بدانیم اگرچه آن معنای ظاهری این معنا را هم نفی نمی‌کند. بنابراین چون قرآن موجود امری حسی و قابل درک با حواس است و یکی از جوانب درک با حواس؛ همان مس کردن آیات و مصحف شریف است، پس می‌توان این نتیجه را گرفت که معنای استعمال شده قرآن و سیاق این آیات می‌تواند شاهدهی بر این ادعا باشد که مراد از قرآن کریم در آیات نازل شده نیز همان مصحف شریف است.

اگر سخن ابن قتیبه را صحیح بدانیم که می‌گوید: «لا حترق الجلد و المداد، و لم یحترق القرآن» لازمه اش چنین است که قرآن غیر مکتوب باشد و این امر محالی است؛ چراکه مکتوب در مصحف همان قرآن است و دلیل این حرف، آیه شریفه است: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ \* لَا یَمْسُهُ إِلَّا

الْمُطَهَّرُونَ ﴿واقعه/۷۹-۷۷﴾ همچنین در حدیث آمده است: «لا تُسَافِرُوا بِالْقُرْآنِ إِلَى أَرْضِ الْعَدُوِّ» که در اینجا نیز مراد از قرآن همان مصحف شریف است (علم الهدی، الامالی، ۱۹۹۸م: ۱/۴۲۷). همچنین در روایت دیگری آمده است: «فَلَا يَمَسُّ أَحَدُ الْقُرْآنِ إِلَّا وَهُوَ طَاهِرٌ» (المقدسی، المغنی، ۱۳۸۸ق: ۱/۱۰۹)؛ که شرط مس قرآن کریم را طاهر بودن دانسته است. در روایت دیگر آمده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ إِذَا أَخَذَ مُصْحَفَ الْقُرْآنِ وَالْجَمَاعِ قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ وَقَبْلَ أَنْ يُشْرِعَهُ يَقُولُ حِينَ يَأْخُذُهُ بِيَمِينِهِ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام» (ابن طاووس، اقبال الاعمال، ۱۴۰۹ق: ۱/۱۱۰) و «وَلَا تَمَسَّ الْقُرْآنَ إِذْ كُنْتَ جُنْبًا أَوْ كُنْتَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ» (امام هشتم عليه السلام، الفقه المنسوب لعلی بن موسی عليه السلام، ۱۴۰۶ق: ۸۵) دو روایت بیان شده به عنوان نمونه از مجموعه روایات، نیز دال بر این است که کلمه قرآن درباره همین مصحف شریف به کار رفته است.

باتوجه به مطالب بیان شده می توان گفت که با نزول آیات شریفه و جمع آوری این آیات در میان دو جلد، آن چه معهود و مستعمل از معنای قرآن میان مسلمانان شد، همین مصحف شریف است؛ لذا آن چه استیفان درباره عدم دلالت کلمه قرآن به یک پیکره بسته شرعی قرآن امروزی و ابهام معنای اغلب کلمات قرآن گفته، باطل است؛ زیرا معنای استعمالی قرآن در آیات شریفه و روایات به غیر این ادعا شهادت می دهند. از طرفی آنچه بعداً بر روی قرآن نام جدید گذاشته شده مصحف است؛ نه قرآن، چراکه ماده و ریشه قرآن نیز با مکتوب و خواندنی بودن همه قرآن و بخشی از آن نیز هماهنگی دارد و نسبت دادن معنای کتابت یا بازکتابت برای واژه قرآن بی دلیل است. این در حالی است که قرآن به عنوان کتاب مجلد و مصحف، خواندنی است و با معانی نوشتن و بازنویسی بیگانه است، چطور که هر کتاب دیگری غیر از قرآن هم باشد وقتی بین دو جلد قرار می گیرد، در واقع فرایند نوشتن و بازنویسی به اتمام رسیده است؛ اما در هر حال عرف آن را کتاب می نامد، پس کتاب نامیده شدن معنای مکتوب بودن و قابل خواندن را می دهد؛ نه اینکه دلالت بر بازنویسی بکند.

### معنای فرقان

این کلمه اصیل عربی و از ریشه فرق مانند خسران، مصدر است و معنای مبالغه را می رساند؛ یعنی بسیار فرق گذار که درباره قرآن کریم آن را فرق گذار میان حق و باطل تفسیر کرده اند؛ اما معانی نجات، نصرت، فصل و مخرج را نیز برای آن ذکر کرده اند؛ اما هر سه با وجود تفاوت لفظی، از نظر معنایی به هم نزدیک هستند (رامیار، تاریخ قرآن، ۱۳۹۰: ۲۳).



دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) در تفسیر آیه ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ چنین است؛ این فرقان ناشی از تقواست؛ روشن شدن حقیقت برای انسان، دستاورد تقواست (https://farsi.khameneei.ir 1388/7/2). روشن است که ایشان نیز فرقان را همان فرق‌گذار میان حق و باطل تفسیر کرده‌اند.

توجه مفسران به معنای نجات در این کلمه موجب شده که برخی میان این کلمه و نظیر آن در ریشه آرامی - عبری یعنی پرقان (Purqan) و یا سریانی پرقانه (Purqana) به معنای نجات ببینند؛ اما این شباهت مختصر نمی‌تواند دلیل غیرعربی بودن اصل و ریشه این کلمه باشد؛ لذا وجود این شباهت دلیل تأثیر مستقیم و نافذ نیست؛ بلکه به‌طور مرسوم قاعده ابدال را مطرح کنیم نظیر این کلمه را در عربی «فلق» داریم که با ریشه این کلمه قرابت معنوی دارد؛ همان‌طور که فرقان جداکننده حق از باطل است، فلِق نیز روشنی روز را از تاریکی جدا می‌کند و قاعده ابدال در عربی سابقه قدیم دارد؛ لذا به کتاب خدا، فرقان گفته می‌شود؛ چون حالت تفصیلی و فردی دارد و به‌صورت آیات و کلمات نازل شده است بر عکس قرآن که به حالت جمعی قرآن دلالت دارد (رامیار، تاریخ قرآن، ۱۳۹۰: ۲۳). بنابراین واژه فرقان در زبان آرامی معنای وحی ندارد؛ اما به معنای نجات است. در قرآن کریم نیز معنای وحی مورد نظر است، لذا نام کتاب خدا قرار گرفته است (همان).

در آیات قرآن آمده است: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان/۱) ﴿مَنْ قَبُلْهُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾ (آل‌عمران/۱). معنای فرقان از دیدگاه قدما چنین مطرح شده است؛ عکرمه آن را به معنای نجات، ابن عباس به معنای راه خروج، مجاهد به معنای فرق بین حق و باطل و مجاهد به معنای خروج از امری و نجات از آن بیان کرده‌اند (طبری، تاریخ طبری، ۱۴۱۲ق: ۱/۳۳). همچنین در برخی روایات دیگر به معنای فرق و تمایز بین حق و باطل مطرح شده است (همان: ۱۱۱/۳). این تمایز با حجت بالغه باشد، یا قهر و غلبه با قدرت و نیرو، تفاوت ندارد (همان). همچنین در روایت دیگری از قتاده آمده است: «أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ هُوَ الْقُرْآنُ أَنْزَلَهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَفَرَّقَ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ، فَأَحْلَ فِيهِ حِلَالَهُ، وَ حَرَّمَ فِيهِ حَرَامَهُ، وَ شَرَعَ فِيهِ شَرَائِعَهُ، وَ حَدَّ فِيهِ حُدُودَهُ، وَ فَرَضَ فِيهِ فَرَائِضَهُ، وَ بَيَّنَّ فِيهِ بَيِّنَاتِهِ، وَ أَمَرَ بِطَاعَتِهِ، وَ نَهَى عَنِ حَصِيَّتِهِ.» (همان).

باتوجه به نظرات بیان‌شده در معنای فرقان می‌توان گفت میان همه این معانی یک معنای عام و مشترک تشخیص داده می‌شود و آن معنای نجات یا تمایز حق و باطل است که ثمره تمایز هم به نوعی نجات از گمراهی و فتنه‌هاست؛ چراکه در صورت تشخیص حق از باطل، می‌تواند نجات پیدا کند. این

معنای عام و مشترک، می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد که یکی از این مصادیق قرآن کریم است. پس در نام‌گذاری فرقان به کتاب قرآن، ادعای ابهام و عبری بودن، ادعایی باطل است. روشن است که واژگان و الفاظ مختلفی در ارتباط انسان‌ها ردوبدل شده و می‌تواند دخیل در زبان دیگر باشد؛ اما با توجه به اختلاف حروف فرقان در عبری و عربی، دلیل روشنی بر عبری بودن واژه نداریم، اگر هم واژه فرقان عبری باشد، مسلم و روشن است که به‌کارگیری واژگان مختلف از زبان‌های مختلف در قرآن مشهود است و تنها اختصاص به زبان عبری ندارد و این دلیل بر بلاغی بودن قرآن و توجه به مخاطبان خود از اقوام و ملل مختلف دارد.

نام‌های مختلفی است که قرآن کریم به تناسب مخاطبان خویش با آن عناوین خود را معرفی می‌کند؛ در واقع چنین می‌نماید که بهترین منبع برای معرفی قرآن، خود قرآن است که با توجه به تنوع مخاطبان خود، نام‌هایی از جمله کتاب، ذکر، تنزیل و... را به کار برده است و این از جمله نکات مهم در تأثیرگذاری بر خواننده یا شنونده است. پس می‌توان این نکته را مطرح کرد که توجه قرآن کریم بر اصناف مختلف مردم و سخن گفتن به تناسب ویژگی‌هایشان و از طرفی نوع مطلبی که بیان می‌کند و اینکه آن نام با کدام جهت و جنبه قرآن سازگارتر است، اسامی قرآن را به کار می‌برد؛ و این امر به نوعی اعجاز بلاغی، جامعیت قرآن کریم و همگانی بودن آن را تأکید می‌کند و ضمن معرفی هویت خود، کارکردهای مختلف و متناسب با مخاطبان را نیز القا می‌کند؛ برای نمونه، قرآن خود را ذکر معرفی می‌کند و این ذکر را للعالمین می‌داند، در واقع خدای متعال با قرآن همه مردم جهان را مخاطب قرار می‌دهد و کتاب خود را یادآور فطرت و سرشت توحیدی شان معرفی می‌کند و با تلنگری، آن‌ها را متوجه مبدا و معاد می‌کند.

### ۳. خودارجاعی به روش تفسیر و معناشناختی

بحث دیگر در خودارجاعی قرآن، اثبات صفات منفی برای خودش است: «وقتی یک متن را خودارجاع می‌نامیم که از خود سخن گوید و بر نص خود منعکس باشد. قرآن از این ویژگی که می‌توان آن را خودانعکاسی و فرائضی خواند، برخوردار است که نسبت به سایر کتب مقدس مسیح و یهود بالاتر است. برخی از بدیهی‌ترین موارد خودارجاعی عبارتند از؛ اسناد به خود و طبقه‌بندی، اظهارات منفی قرآن درباره خود، اولین نشانه‌های تأویل» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۰: ۲۲۷).  
از نظر استفان وایلد، قرآن بدون دفاع از خود، اظهارات منفی مشرکان را به خود نسبت می‌دهد؛ اما باید گفت این نظر، قضاوت یک جانبه و برخاسته از عدم تسلط کامل بر قرآن است. در پاسخ به این اشکال و رد آن لازم است دو مورد از روش‌های تفسیر قرآن که به خود قرآن استناد می‌شود را تبیین کنیم:



## الف. روش تفسیر قرآن به قرآن

تفسیر چیزی جز بیان معانی قرآنی و کشف مقاصد آن نیست (طباطبایی، بی تا: ۱/۴) یکی از بهترین و کارآمدترین شیوه‌های تفسیری، روش تفسیر قرآن به قرآن است. در این روش مفهوم هر آیه از قرآن کریم با تدبر در سایر آیات قرآنی روشن می‌شود. تبیین آیات فرعی به وسیله آیات اصلی و محوری و استناد به آیات محکم، طوری که برخی از آیات قرآن کریم همه مواد لازم را برای تشکیل بنای معرفتی را در خود دارد و برخی آیات تنها عهده‌دار بخشی از این مواد است که آیات دسته دوم به کمک آیات دسته اول تبیین و تفسیر می‌شوند (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۶: ۱/۶۱). از این روی با دسته‌بندی آیات شریفه، بخشی به صورت نصوص قطعی و بخشی به صورت ظواهر و ظنی هستند که بخش نخست «حجت قطعی» و بخش دوم «حجت ظنی» است و به هر تقدیر حجیت قرآن و امدار غیر خود نیست (همان: ۱/۶۴). قرآن کریم حجت بالفعل و مستقل است و در حجیت خود به غیر از قرآن نیازی نیست؛ بلکه به تصریح و تأیید خود قرآن «عقل» و همچنین «سنت» حجت است (همان: ۱۰۵). مراد از حجیت مستقل، حجت فعلی و تجویزی نیست تا نیازی به سنت نباشد؛ بلکه در دلالت بر محتوا و هدایت نسبت به مضمون خود مستقل است؛ بنابراین اعتبار تفسیر قرآن به قرآن در حد استقلال است، نه انحصار (همان: ۱۰۶). در تفسیر آیه شریفه ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُ مِنْهُ جُلُودَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضَلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾ (زمر/۲۳) گفته شده است مراد از تشابه، یعنی از آیات قرآن مجید شبیه، همسان و همتای هم‌اند و از طرفی منتهی، منقطع و متمایل به هم هستند. معنای گرایش مطالب یک کتاب علمی این است که هرکدام از مطالب با دیگری مشروح یا مشروح‌تر و روشن یا روشن‌تر می‌گردد. چنین کتابی که همه آیات آن به هم گرایش دارند، حتماً مفسر و مبین همدیگر و شارح داخلی خویش است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۶: ۱/۶۷). با توجه به حجیت ذاتی قرآن، ارجاع به خود قرآن بهترین راه تفهیم معانی مجمل آن خواهد بود و این مسئله در کتب عادی دیگر می‌تواند قابل مشاهده باشد؛ به این صورت که اگر نکته مجملی در کلیات یا مباحث مقدماتی یا هر قسمتی از کتاب باشد، تفصیل آن در بخش‌های دیگر کتاب یافت می‌شود.

علامه طباطبایی در تفسیر قرآن به قرآن، توجه وافری به پیوند معنایی آیات قرآن داشته و بر این باور است که آیات قرآن نوعی ارتباط معنایی دارند که می‌توان در فهم و تفسیر برخی از آیات، از آیات دیگر کمک گرفت. بی توجهی به پیوند معنایی آیات قرآن موجب می‌شود مفسر میان آیات ناسازگاری و تنافی ببیند و آیات و کلمات قرآن را از جایگاه مناسب خود خارج کند و به تفسیر به رأی و تأویل‌های ناروا روی آورد.

از نظر علامه طباطبایی، آیات قرآن ناظر به همانند و با وجود توزیع معارف در گستره متن قرآن کریم، مجموعه‌ای به هم پیوسته و برخوردار از انسجام کامل است و فهم درست و دقیق آیات قرآن در گرو توجه به انواع پیوندهای معنایی میان آیات آن است (طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۵۶/۱۷). علامه معتقد است: قرآن کریم همچنان که به لحاظ قالب و ساختار، مجموعه‌ای نظام‌مند و به هم پیوسته است، از حیث محتوا و معارف هم در ساختش هیچ‌گونه اختلاف و تناقضی راه ندارد. به این حقیقت نیز در آیه ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء/۸۲) تصریح شده است؛ اما نباید نظام‌مندی معارف قرآن را جدا از نظام‌واره بودن زبان قرآن دانست. همان طور که در منظومه معرفتی قرآن هیچ‌گونه اختلافی نیست و همه معارف قرآن بر محور واژه کلیدی توحید شناخته می‌شود، نظام‌واره بودن زبان آن نیز در پرتو اعجاز بلاغی آن اثبات‌پذیر است (طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ق/۳/۵۹) علامه طباطبایی فصاحت و بلاغت را از جنبه‌های اعجاز قرآن می‌داند و خدای متعال طبق قواعد محاوره عقلایی مراد خود را با عمومات و مطلقات خواسته بیان کند و قطعاً قرآن کریم در بیان و تفهیم همین حدود کاملاً رسا، گویا، روشن و مستقل بوده و نیازی به غیر خود ندارد (همان: ۸۳-۸۹).

مقام معظم رهبری در موارد متعدد به تناسب محتوایی آیه با آیات قبل و بعد توجه کرده و بر اساس آن نکته استظهار گردیده است و یا سیر منطقی و منظم آیات اثبات شده است از گونه‌های تناسب مطرح شده تقابل مفاد دو آیه با یکدیگر است که با مقابله کردن آنها نکته‌ای را کشف می‌کند. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) توجه به تناسب محتوای آیات نوعی تفسیر قرآن با خود قرآن محسوب می‌شود آیات قرآن در کنار یکدیگر معنای روشن و صریح را بیان می‌کنند (خامنه‌ای، مروری بر روش مبانی و قواعد تفسیری، ۱۳۹۳: ۷۷). از نمونه‌های تفسیری مفسر بزرگوار به دست می‌آید که ایشان در نقد سخن دیگران حفظ ظاهر آیه توجه به سیاق و آیات دیگر در قالب تفسیر قرآن به قرآن و اصطلاح‌شناسی قرآنی و تفاوت آن با اصطلاحات فقهی و معانی لغوی و مبانی دیگر را در نظر گرفته‌اند (همان: ۹۷).

برای نمونه، از دیدگاه ایشان، برخی سوره‌ها مثل سوره حمد یک مطلب محوری ندارد؛ بلکه مجموعه‌ای از مطالب محوری و امهات مسائل قرآنی است و همه این معارف هرکدام فصل بسیار مهمی از معارف الهی است و همه این‌ها در قرآن وجود دارد که در سوره حمد به شکل کوتاه آمده است که با تبیین همه کلمات در این سوره، همه این معارف را می‌شود شناخت و فهمید (<https://farsi.khamenei.ir> بیانات در جلسه تفسیر سوره حمد، ۱۳۶۹/۱۲/۱۵).





برای مثال در تفسیر آیه جهت تبیین و تفسیر معنای جهاد با مراجعه به آیات دیگر اصطلاح قرآنی جهاد را بیان می‌کند و با بیان شماری از آیات مفهوم جهاد را به آن‌ها مستند کرده است (خامنه‌ای، مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در تفسیر سوره توبه، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۳).

استفان فیلد در جای دیگری از مقاله، این ویژگی قرآن را به‌عنوان مهر تأییدی بر نزول قرآن نقل می‌کند: «یکی از دلایل ارتباط نزدیک میان آیه‌ها، تعداد مطلق کلمات جانشین و جانشین‌های خودارجاع است؛ یعنی کلماتی که جانشین کلمات دیگر می‌شوند. از جمله ضمائر، ضمائر اشاره، قیود زمان و مکان و فرآیند (مانند اینجا، آنجا، پس) مترادفات، تکرارها و غیره. این جنبه از قرآن به‌مثابه یک متن منسجم و ساختارمند، بارها در خود قرآن اشاره شده است» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۰: ۲۷) و صریح‌ترین اشارات به شیوه تدوین پاره پاره و منسجم را می‌توان در قرآن یافت (همان). ﴿وَقُوَانَا فَرَقْنَا لَهُ لِيَتَفَرَّأَ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مَكُتِّهِ وَتَرْتَأَاهُ تَنْزِيلًا﴾ (اسراء/۱۰۷) «دانشمندان مسلمان اغلب متنی از کتاب مقدس را ذکر می‌کنند که این شیوه آیه به آیه را خبر می‌دهد: حکم بر حکم خواهد بود، حکم بر حکم، سطر بر سطر، کمی اینجا و کمی آنجا.» (لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۰: ۲۷).

بر این اساس روش تفسیر قرآن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برخی روش‌ها ممنوع است و گرچه مفسر با به‌کارگیری آن روش غلط به تفسیر صحیح هم برسد، تفسیر به رأی محسوب شده و کار خطایی کرده است (ریاحی مهر و طیبی، آسیب‌شناسی مبنایی و روشی تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۴۰۲: ۴۹). با مراجعه به آیات مربوط به یک موضوع و تدبر و توجه دقیق به صدر و ذیل آیه، سیاق آیات، توجه به مقام و قرائن مختلف و ارجاع متشابهات به محک‌ها و غیره، می‌توان به مراد الهی دست یافت. این نوع روش، نوعی خودارجاعی است؛ چراکه قرآن برای تفسیر و پرده‌برداری بیشتر از مطلب، به غیر خود ارجاع نمی‌دهد؛ بلکه همه احکام و معارف را حول محور توحید مطرح می‌کند و محوریت توحید موجب حل تعارضات یا تناقضات ظاهری خواهد شد.

قرآن کریم موضوعات مختلف را در آیات و سوره‌های جدا از هم بیان می‌کند، که با کنار هم نهادن این آیات، برخی ابهامات روشن و تناقضات ظاهری حل می‌شود. این امر بهترین نوع ارجاع است که یک کتاب به جای اینکه تأییداتی از خارج به مطالب خود بیان کند، خودش همان بحث را در جای دیگر کتاب کشف و پرده‌برداری می‌کند و حتی اگر در مواردی حکم کلی و بدون تفصیل می‌دهد، در جای دیگر مطرح می‌کند که منبع تفصیل و تبیین این حکم، رسول خدا است.

لازم به ذکر است که تعارض یا تناقض گویی که در نوشته استفان وایلد درباره اسامی قرآن و ... مطرح می‌شود، به نوعی دست گذاشتن بر روی مصادیق است که به طور مسلم برای یافتن معنا و مفهوم لفظ قرآن پاسخگو نخواهد بود و واژگان وحی را متهم به ابهام در معنا می‌کند؛ زیرا قرآن کریم کلیات و قوانین عام و همه شمول را مطرح می‌کند، بنابراین مسلم است که استناد یا ارجاع به خود قرآن در یافتن مفهوم صحیح الفاظ قرآن یا فرقان موجب سردرگمی و به خطا افتادن مخاطب می‌شود و در این حال قرآن را متهم به کذب و تناقض گویی خواهد کرد.

بنابراین استناد و ارجاع قرآن به خود، گویای تقویت و انسجام کتاب است، و اتهام به واژگان مبهم یا تناقض گویی قرآن به دلیل عدم تسلط و فهم صحیح معانی الفاظ است.

#### ۴. روش معناشناختی

از جمله موارد خودارجاعی قرآن، توجه به کثرت استعمال لفظ در قرآن است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) اینکه یک لفظ در معنای خاص شایع است، از سیاق و قرائن به دست می‌آید که یک اصطلاح قرآنی است (خامنه‌ای، مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در تفسیر سوره توبه، ۱۳۹۳: ۸۰) این گونه واژه‌ها کلماتی هستند که در قرآن اصطلاح خاص شده و بار معنایی مخصوص به خود گرفته است. برای به دست آوردن معنای اصطلاحی واژگان قرآنی، توجه به ویژگی‌های آن، اطراد و کثرت استعمال در آیات مختلف به دست می‌آید. برای مثال زکات در اصطلاح قرآنی از دیدگاه مقام معظم رهبری مطلق انفاقات مالی دانسته شده است که از دقیق‌ترین و ژرف‌ترین موارد اصطلاح‌شناسی قرآنی است که اکثر قریب به اتفاق مفسران به آن توجهی نداشتند (همان: ۱۰۴).

ارجاع قرآن به خود در روش معناشناختی ایزوتسو (ر.ک، بررسی تطبیقی حوزه معنایی معجزه در قرآن و عهدین، ۱۰) به وضوح نمایان است. به نظر ایزوتسو واژه‌های یک زبان از هم گسیخته و دور شده نیستند و برای فهم دقیق معنای یک واژه تنها مراجعه به لغت کفایت نمی‌کند و تحلیل صوری یا اشتقاقی کلمه دردی را دوا نخواهد کرد. در این نگاه، واژه‌ها بیانگر جهان بینی خاص قومی هستند که به آن زبان سخن می‌گویند (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۹۳: ۱۳). ایزوتسو بر این باور است که هر واژگان یا نظام و سیستم معنایی، در بردارنده جهان بینی خاصی است و وجود جهان بینی و رای نظام زبان و متن است. وی بر اساس مبنای جهان بینی زبانی، جهان هر فرد را مبتنی بر زبان آنها ترسیم می‌کند و به جهان بینی قرآنی می‌رسد که همان طرز نگرش قرآن نسبت به جهان است. هدف وی بازسازی دستگاه معنایی قرآن با استفاده از حوزه‌های معنایی و واژگان کلیدی و نیز معنای پایه و نسبی



است (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ۱۳۷۸ش: ۸۰). از نظر وی مجموعه‌ای از روابط معنایی دارای طرح در میان دسته‌های مختلف واژه‌های یک زبان، «حوزه» یا «میدان معنایی» نام دارد (همان: ۸۰).

طبق این رویکرد، قرآن نظامی معنایی است که مجموعه‌ای از تصورات به هم پیوسته را عرضه می‌کند. از این رو، ارتباط معنایی میان واژگان محوری قرآن درخور توجه ایزوتسو قرار گرفته است. تفسیر قرآن به قرآن و معناشناسی زبانی قائل به استقلال دلالتی متن و متن محوری هستند. بافت متن یکی از قوی‌ترین قراین مشترک کشف معنا در این دو روش به حساب می‌آید. توجه به بافت در تفسیر قرآن به قرآن و معناشناسی زبانی روشی مشترک است؛ اگرچه گستردگی دامنه «بافت» در آنها متفاوت است. در نظام معنایی قرآن کریم، باید معنای هر واژه یا هر گزاره را از طریق جایگاه و نوع نقش آن در بافت خاص و میدان معنایی ویژه بررسی کرد (همان: ۷۵) این به نوعی همان تفسیر قرآن به قرآن است و معناشناسی می‌تواند نقش مکمل و سازنده‌ای در قاعده‌مندی واژگان قرآن و اثبات نظام‌مندی معارف آن در تفسیر قرآن به قرآن داشته باشد (همان: ۲۵). ایزوتسو برای تشکیل میدان در زبان عربی به تقسیم‌بندی واژگان به دو گونه کلمات نسبی و اساسی اشاره دارد و محوریت میدان معناشناختی، با کلمات اساسی است. وی برای یافتن میدان معناشناختی به اصولی همچون شبکه به هم گره‌خورده واژه‌ها در یک زبان، وجود واژه‌های اساسی و کلیدی، ترسیم میدان معناشناختی و... معتقد است (لطفی، بررسی و نقد معناشناختی ایزوتسو، ۱۳۹۳ش: ۴۷).

ایزوتسو در پی این است که قرآن مجید، خود به زبان خود سخن بگوید و ترجمان احوال و مفاهیم خود باشد. از این رو می‌توان گفت هدف ایزوتسو تحلیل زمینه و بستر کلام یا سیاق متن بوده است و تأکید کرده است که مفهوم را باید در چهارچوب سیاق بحث دریافت. بر همین اساس، وی در بررسی مفاهیم قرآنی، با وجود ویژگی‌های متنی و محیطی، ساخت معنایی واژه‌های قرآن را تجزیه و تحلیل کرده است (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ۱۳۷۸ش: ۲۵). طبق این قاعده، برای کشف معنای کلمه یا به خود آن کلمه مراجعه می‌کنیم و یا به کلمه‌هایی که اثر وجودی در آن کلمه دارند و یا آثار، نتایج و اوصافی که در فرهنگ دینی، بر آن مترتب شده‌اند. مبنای این قاعده نیز خود محقق است که باید دانشش را به کار گیرد تا این شبکه معنایی را بشناسد (همان: ۷۵ و ۷۷ و ۷۸). بنابراین روشن است که در این روش ارجاع به خود قرآن اصل و محور فهم معنای کلیدواژه‌ها و کشف معانی صحیح قرار می‌گیرد؛ طوری که در این روش همانند آیات محکم و متشابه که محک‌های اصل بوده و متشابهات فرع هستند، می‌توان گفت کلمات و واژه‌هایی مثل، الله، ایمان و... اصل و

محور قرار می‌گیرند و برای خود میدان معنایی گسترده‌ای تشکیل می‌دهند و با تقابل واژگانی، هم‌نشینی و جانیشینی کلمات فهم بهتری از آیات انجام می‌گیرد. با این روش ارجاع، جهان‌بینی قرآن روشن می‌شود و خود قرآن گویای جهان‌بینی خود بوده و متکی به کتاب دیگری نخواهد بود.

ارجاع و استناد قرآن به خود، مهم‌ترین دلیل بر حجیت ذاتی خود آن چیز است؛ چطور که امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود «سلونی قبل ان تفقدونی...»، برای پاسخ سؤالات مردم، آن‌ها را به خودش ارجاع می‌دهد؛ نه دیگران. این امر مهم، از هر کس یا چیزی مورد انتظار نیست، مگر اینکه آن شخص یا شیء خودش، خود را تأیید و حجت و دلیل بر درستی خود باشد، تناقض‌گویی نداشته باشد و کلام و سخنان و واژگان قرینه‌ای و دلیل بر فهم بهتر سخنانش باشد.

پس با این بیان و با وجود اصل و محور یگانه در تفسیر قرآن، نه تنها تعارض و تناقض‌گویی به شدت کاهش می‌یابد؛ بلکه روش جالب و صحیحی در فهم درست معانی واژگان ارائه خواهد داد.

## نتیجه

خودارجاعی یا استناد به خود توسط قرآن کریم از جمله امتیازاتی است که به گواه دانشمندان، قرآن این امتیاز را بیش از سایر کتب مقدس دارد. یکی از جنبه‌های خودارجاعی، معرفی هویت خود است و این سخن موجب ابطال ادعای کسانی است که معتقدند، معنای قرآن مشخص نیست و دلالت آن بر مابین الدفتین روشن نیست؛ چراکه در این مورد نیز وقتی به قرآن مراجعه می‌شود، خود قرآن معنای قرآن را برایمان واضح می‌کند. در معنای فرقان نیز عبری بودن این واژه منافاتی ندارد که یکی از مصادیق معنای لفظ فرقان، همین کتاب آسمانی باشد تا موجب تمایز حق از باطل است. از جمله خودارجاعی‌های قرآن کریم توضیح آیات یا واژگان توسط خود قرآن است که در روش تفسیر قرآن به قرآن و همچنین معناشناختی ایزوتسو خود را نشان می‌دهد. این روش تفسیری در اندیشه‌ها و تالیفات آیت‌الله خامنه‌ای به فراوانی مشهود است، طوری که معارف و کلیات سوره حمد را با استناد به آیات قرآن تفسیر و تبیین می‌کند. همچنین ایشان با بررسی یک واژه در آیات مختلف، به دنبال کشف اصطلاحات قرآنی است بنابراین طبق آنچه مستشرق آلمانی به‌درستی دریافته است، قرآن کریم خودارجاع‌ترین کتاب مقدس است و این یکی دیگر از جنبه‌های اعجاز قرآن است.



## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، عبدالسلام محمدهارون، بی جا: دارالفکر، ۱۳۹۹.
۴. ایازی، محمدعلی، پورافخم، مریم، «ایزوتسو و نقد و بررسی دو اثر قرآنی وی»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال یازدهم، شماره ۳، پیاپی ۲۳، ۱۳۹۳.
۵. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فروزانفر، ۱۳۷۸ ش.
۶. \_\_\_\_\_، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، بی جا: شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم، ۱۳۹۳ ش.
۷. باعزم، محمد، گفتمان خوداستنادی قرآن کریم در اندیشه آن سیلوی بوالو، مجله آینه پژوهش، سال بیست و نهم، شماره دوم، ۱۳۹۷.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، محقق: علی اسلامی، قم: اسراء، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، مروری بر روش، گرایش، مبانی و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در تفسیر سوره توبه، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بیروت / دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۹۰.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، اعتصامی، سیدمهدی، «معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن، البیور لیمن»، دو فصلنامه تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال چهارم، شماره ۷، ۱۳۸۸.
۱۳. ریاحی مهر، باقر، طیبی، زینب، «آسیب شناسی مبنایی و روشی تفسیر معاصرانه قرآن کریم (جلد سوم)»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۸، ۱۴۰۲.
۱۴. شیخوم، لوییس، شعراء النصرانیه قبل الاسلام، بیروت: دارالمشرق، ۱۹۹۱.
۱۵. شریفی، محمد: رمضان نیا، لیلا. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی باطن قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی. مطالعات تفسیر تطبیقی. ۸(۱)، ۶۹-۱۱۷.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، بی تا، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.

۱۸. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲.
۱۹. عالمی، روح الله، «رابطه مفاهیم جزئی با معنا دلالت و ارجاع»، فصلنامه فلسفه، ش ۳۷، ۱۳۸۸.
۲۰. علم الهدی، علی بن حسین، الامالی، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۹۸.
۲۱. علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، الفقه المنسوب لعلی بن موسی علیه السلام، مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۶.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بی جا: دار و مکتبه الهلال، ۱۴۰۹.
۲۳. دست رنج، فاطمه، دهقانی، محمد. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی حوزه معنایی معجزه در قرآن و عهدین. مطالعات تفسیر تطبیقی. ۶(۲)، ۱۰-۳۳.
۲۴. قاسمپور، محسن، بیرامی، رقیه «بررسی دیدگاه الیور لیمن درباره سنت و نقش آن در تفسیر»، قرآن پژوهی خاورشناسان، سال یازدهم، شماره ۲۰، ۱۳۹۵.
۲۵. لطفی، سیدمهدی، «بررسی و نقد معناشناسی ایزوتسو»، مجله پژوهش های زبانشناختی قرآن، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹۳.
۲۶. لیمن، الیور، دانشنامه قرآن کریم، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰.
۲۷. معصومی، سعیده، بیات، حسین، «بررسی و مقایسه خودارجاعی و گسترش پذیری نامتعیین در نسبت با پارادوکس ها»، فلسفه تحلیلی، ش ۳۱، ۱۳۹۶.
۲۸. المقدسی، ابن قدامه، المغنی، قاهره: مکتبه القاهره، ۱۳۸۸.
۲۹. واعظ قاسمی، مرتضی، احمدی افرمجان، علی اکبر، «تحلیل رویکرد ویتگنشتاینی به مسئله خودارجاعی»، حکمت و فلسفه، سال دوازدهم، شماره چهارم، ۱۳۹۵.
۳۰. عسکری، سیدمرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران: مجمع العلمی الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۶م.
۳۱. معرفت، محمدهادیش، تلخیص التمهید، قم: ذوی القربی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

32. <https://tafsir.net/author/۳۳۶۱/shtyfan-fyld-stefan-wild>

33. <https://farsi.khamenei.ir>.



## Resources

1. *Quran – e – Karim (Th Holy Quran)*, Rezaei Esfahani, Mohammad Ali and A Group of Professors from Al-Mustafa University, *Quran-e Karim (The Noble Qur'an)*, Al-Mustafa Publications, Qom: 2<sup>nd</sup> Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Aalami, Rouhollah, “*Rabeteḥ Mafahim-e Juz’i ba Ma’na, Delalat va Erja*” (*The Relationship of Partial Concepts with Meaning, Signification, and Reference*), *Falsafeh Journal*, No. 37, 1388 SH (2009 CE).
3. Alam al-Huda, Ali Bin Hossein, *Al-Amali (Dictations)*, Researched/Edited by Mohammad Abulfazl Ebrahim, Cairo: Dar al-Fekr al-Arabi, 1998 CE.
4. Al-Maqdisi, Ibn Qudamah, *Al-Mughni (The Enricher)*, Cairo: Maktabah al-Qahirah, 1388 AH (1968 CE).
5. Askari, Seyed Morteza, *Al-Quran al-Karim va Revayat al-Mudarristain (The Holy Quran and Narrations of the Two Schools of Shia and Sunni)*, Tehran: Majma’ Ilmi-e Eslami, 2<sup>nd</sup> Edition, 1416 AH (1995 CE).
6. Ayazi, Mohammad Ali, Pourafkham, Maryam, “*Izutsu va Naqd va Barresi Do Asar-e Qur’ani*” (*Izutsu: Analysis and Critique of Two Quranic Works*), *Tahqiqat-e Elmie-e Quran va Hadith*, Year 11, No. 3, No. 23, 1393 SH (2014 CE).
7. Bazam, Mohammad, “*Gofteḥman-e Khodastanadi-ye Quran Kareem dar Andisheḥ-e An Silvie Bolo*” (*The Self-Referential Discourse of the Holy Quran in the Thought of Silvie Bolo*), *Ayeneh Pazhuhesh*, Year 29, No. 2, 1397 SH (2018 CE).
8. Dast-e Ranj, Fatemeh, & Dehqani, Mohammad (1400 SH /2021 CE). *Barresi Tatbiqi-e Howzeh-e Ma’naei-ye Mo’jizat dar Quran va Ahdain (A Comparative Study of the Semantic Field of Miracle in the Quran and the Old and New Testaments)*. *Motale’at-e Tafsir-e Tatbiqi (Comparative Interpretation Studies)*, 6(2), 10-33.
9. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, *Al-Ain (The Fountion)*, Published by Dar va Maktabeh al-Hilal, 1409 AH (1988 CE).
10. Ibn Faris, Ahmad, *Mo’jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Metrics)*, Translated by Abdul Salam Mohammad Haron, Beirut: Dar al-Fikr, 1399 AH (1979 CE).
11. Ibn Tawus, Ali Bin Musa, *Iqbal al-A’mal (Prospects of Deeds)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1409 AH (1988 CE).
12. Imam Ali Bin Musa, *Al-Fiqh al-Mansoub li-Imam Ali Bin Musa (The Assigned Jurisprudence to Imam Ali Bin Musa)*, Mashhad: Al-al-Bayt Foundation, 1406 AH (1985 CE).
13. Izutsu, Toshihiko, *Khoda va Ensan dar Quran (God and Man in the Quran)*, Translated by Ahmad Aram, 9<sup>th</sup> Edition, Published by a Joint-Stock Company, 1393 SH (2014 CE).
14. Izutsu, Toshihiko, *Mafahim Akhlaqi Dini dar Quran Majeed (Religious Ethical Concepts in the Quran)*, Translated by Fereidoon Badrei, Tehran: Forozanfar, 1378 SH (1999 CE).
15. Javadi Amoli, Abdullah, *Tasneem*, Researched by Ali Eslami, Qom: Esra, 6<sup>th</sup> Edition, 1386 SH (2007 CE).
16. Khamenei, Seyed Ali, *Moroori bar Ravesh, Garyesh, Mabani va Qavaed Tafsiri Hazrat Ayatollah al-Udhma Khamenei dar Tafsir-e Surah-e Tobeh (A Review of the Method, Approach, Foundations, and Rules of Interpretation of Grand Ayatollah Khamenei in the Exegesis of Surah At-Tawbah)*, Tehran: Enqelab-e Eslami Publications, 1393 SH (2014 CE).

17. Leaman, Olivier, *Daneshnameh-ye Quran Kareem (Encyclopedia of the Holy Quran)*, Translated by Mohammad Hossein Vaqar, Tehran: Etela'at, 1390 SH (2011 CE).
18. Lotfi, Seyed Mehdi, "Barresi va Naqde Ma'na-Shenasi Izutsu" (*Analysis and Critique of Izutsu's Semantics*), Journal for Quranic Linguistic Studies (Pazhuhesh-haye Zabanshenasi-ye Quran), Year 3, No. 2, 1393 SH (2014 CE).
19. Ma'refat, Mohammad Hadi, *Talkhis al-Tamhid (Concise of Al-Tamhid)*, Qom, Zawi al-Qurba, 2<sup>nd</sup> Edition, 1390 SH (2011 CE)
20. Ma'soumi, Saeedeh, Bayat, Hossein, "Barresi va Moqayese Khoderjai va Gostaresh-e Namata'yyan dar Risbat ba Padox-ha" (*Analysis, Comparison, and Development of Self-Reference and Indeterminacy in Relation to Paradoxes*), Falsafeh-e Tahlihi, No. 31, 1396 SH (2017 CE).
21. Qasempour, Mohsen, Beyrami, Roqayyeh, "Barresi Didgah-e Olivier Leaman darbareye Sunnat va Naqsh An dar Tafsir" (*An Analysis of Olivier Leaman's View on Tradition and Its Role in Exegesis*), Journal of Orientalists' Quranic Studies, Year 11, No. 20, 1395 SH (2016 CE).
22. Raghieb Esfahani, *Mufarradat Alfadh al-Quran (Vocabulary of Quranic Words)*, Hossein bin Mohammad, Beirut/Damascus: Dar al-Qalam, 1412 AH (1991 CE).
23. Ramiyar, Mahmoud, *Tarikh-e Quran (History of the Quran)*, Tehran: Amir Kabir, 11<sup>th</sup> Edition, 1390 SH (2011 CE).
24. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, E'tesami, Seyyed Mehdi, "Ma'aref va Baresi Dayereh-ye Ma'araf-e Quran, Olivier Leaman" (*Introduction and Review of the Quran Encyclopedia, Olivier Leaman*), Bi-Annual Journal of Orientalists' Quranic Studies, Year 4, No. 7, 1388 SH (2009 CE).
25. Riayi Mehr, Baqer, Tayyebi, Zeinab, "Asibshenasi Mabani va Roushi Tafsiri Moaseraneh Quran Kareem (Jeld-e Sevom)" (*Analysis of Contemporary Quranic Exegesis Foundations and Method*), Journal of Orientalists' Quranic Studies, No. 18, 1402 SH (2023 CE).
26. Sharifi, Mohammad, & Ramazani Nia, Leila (1402 SH / 2023 CE). Barresi Tatbiqi-e Batin-e Quran-e Karim az Didgah-e Allameh Tabatabai va Allameh Javadi Amoli (A Comparative Study of the Inner Aspects of the Noble Quran from the Perspective of Allameh Tabatabai and Allameh Javadi Amoli). Motale'at-e Tafsir-e Tatbiqi (Comparative Interpretation Studies), 8(1), 96-117.
27. Sheikhom, Lewis, *Shoara' al-Nasraniyyah Qabl al-Islam (Christian Poets Before Islam)*, Beirut: Dar al-Mashriq, 1991 CE.
28. Tabari, Mohammad Bin Jareer, *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Comprehensive Explanation of the Quran)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1412 AH (1991 CE).
29. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein. n.d., *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale of Quranic Interpretation)*, Qom: Seminary Teachers' Association, 5th Edition.
30. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (Balance in Quran Interpretation)*, Qom: Ismailian, 2<sup>nd</sup> Edition, 1371 SH (1992 CE).
31. Vaezghasemi, Morteza, Ahmadi Aframjani, Ali Akbar, "Tahlil-e Ravish-e Wittgenstein-i be Mas'ale Khoderjai" (*Analysis of Wittgenstein's Approach to the Self-Reference Issue*), Hekmat va Falsafeh, Year 12, No. 4, 1395 SH (2016 CE).
32. <https://tafsir.net/author/۳۳۶۱/shityfan-fyld-stefan-wild>
33. <https://farsi.khamenei.ir>